

## پنجم کُرَنای

<sup>1</sup>And the fifth angel sounded, and I saw a star fall from heaven unto the earth: and to him was given the key of the bottomless pit. <sup>2</sup>And he opened the bottomless pit; and there arose a smoke out of the pit, as the smoke of a great furnace; and the sun and the air were darkened by reason of the smoke of the pit. <sup>3</sup>And there came out of the smoke locusts upon the earth: and unto them was given power, as the scorpions of the earth have power. <sup>4</sup>And it was commanded them that they should not hurt the grass of the earth, neither any green thing, neither any tree; but only those men which have not the seal of God in their foreheads. <sup>5</sup>And to them it was given that they should not kill them, but that they should be tormented five months: and their torment was as the torment of a scorpion, when he striketh a man. <sup>6</sup>And in those days shall men seek death, and shall not find it; and shall desire to die, and death shall flee from them. <sup>7</sup>And the shapes of the locusts were like unto horses prepared unto battle; and on their heads were as it were crowns like gold, and their faces were as the faces of men. <sup>8</sup>And they had hair as the hair of women, and their teeth were as the teeth of lions. <sup>9</sup>And they had breastplates, as it were breastplates of iron; and the sound of their wings was as the sound of chariots of many horses running to battle. <sup>10</sup>And they had tails like unto scorpions, and there were stings in their tails: and their power was to hurt men five months. <sup>11</sup>And they had a king over them, which is the angel of the bottomless pit, whose name in the Hebrew tongue is Abaddon, but in the Greek

<sup>1</sup>و چون فرشته پنجم نواخت، ستاره‌ای را دیدم که بر زمین افتاده بود و کلید چاه هاویه بدو داده شد. <sup>2</sup>و چاه هاویه را گشاد و دودی چون دود تنوری عظیم از چاه بالا آمد و آفتاب و هوا از دود چاه تاریک گشت. <sup>3</sup>و از میان دود، ملخها به زمین برآمدند و به آنها قوئی چون قوئ عقربهای زمین داده شد <sup>4</sup>و بدیشان گفته شد که ضرر نرسانند نه به گیاه زمین و نه به هیچ سبزی و نه به درختی بلکه به آن مردمانی که مُهر خدا را بر پیشانی خود ندارند. <sup>5</sup>و به آنها داده شد که ایشان را نکشند بلکه تا مدّت پنج ماه معدّب بدارند و اذیت آنها مثل اذیت عقرب بود، وقتی که کسی را نیش زند. <sup>6</sup>و در آن ایام، مردم طلبِ موتخواهند کرد و آن را نخواهند یافت و تمّای موت خواهند داشت، امّا موت از ایشان خواهد گریخت. <sup>7</sup>و صورت ملخها چون اسبهای آراسته شده برای جنگ بود و بر سر ایشان مثل تاجهای شبیه طلا، و چهره‌های ایشان شبیه صورت انسان بود. <sup>8</sup>و موی داشتند چون موی زنان، و دندانهایشان مانند دندانهای شیران بود. <sup>9</sup>و جوشنها داشتند، چون جوشنهای آهنین و صدای بالهای ایشان، مثل صدای ارابه‌های اسبهای بسیار که به جنگ همی تازند. <sup>10</sup>و دُمها چون عقربها با نیشها داشتند؛ و در دُم آنها قدرت بود که تا مدّت پنج ماه مردم را اذیت نمایند. <sup>11</sup>و بر خود، پادشاهی داشتند که مَلکالهاویه است که در عبرانی به اَبَدون مسمّی است و در یونانی او را اَبِلّیون خوانند. <sup>12</sup>یک وای گذشته است. اینک، دو وای دیگر بعد از این می‌آید.

## ششم کُرَنای

<sup>13</sup>و فرشته ششم نواخت که ناگاه آوازی از میان چهار شاخ مذبح طلایی که در حضور خداست شنیدم <sup>14</sup>که به آن فرشته ششم که صاحب کُرنا بود می‌گوید، آن چهار فرشته را که بر نهر عظیم فرات بسته‌اند، خلاص کن. <sup>15</sup>پس آن چهار فرشته که برای ساعت و روز و ماه و سال معین مهیا شده‌اند تا اینکه ثلث مردم را بکشند، خلاصی یافتند. <sup>16</sup>و عددِ جنودِ سواران، دویست هزار هزار بود که عدد ایشان را شنیدم. <sup>17</sup>و به اینطور اسبان و سواران ایشان را در رؤیا دیدم که جوشنهای آتشین و آسمانجونی و کبریتی دارند و سرهای اسبان چون سر شیراناست و از دهانشان آتش و دود و

tongue hath his name Apollyon.<sup>12</sup> One woe is past; and, behold, there come two woes more hereafter.<sup>13</sup> And the sixth angel sounded, and I heard a voice from the four horns of the golden altar which is before God,<sup>14</sup> Saying to the sixth angel which had the trumpet, Loose the four angels which are bound in the great river Euphrates.<sup>15</sup> And the four angels were loosed, which were prepared for an hour, and a day, and a month, and a year, for to slay the third part of men.<sup>16</sup> And the number of the army of the horsemen were two hundred thousand thousand: and I heard the number of them.<sup>17</sup> And thus I saw the horses in the vision, and them that sat on them, having breastplates of fire, and of jacinth, and brimstone: and the heads of the horses were as the heads of lions; and out of their mouths issued fire and smoke and brimstone.<sup>18</sup> By these three was the third part of men killed, by the fire, and by the smoke, and by the brimstone, which issued out of their mouths.<sup>19</sup> For their power is in their mouth, and in their tails: for their tails were like unto serpents, and had heads, and with them they do hurt.<sup>20</sup> And the rest of the men which were not killed by these plagues yet repented not of the works of their hands, that they should not worship devils, and idols of gold, and silver, and brass, and stone, and of wood: which neither can see, nor hear, nor walk:<sup>21</sup> Neither repented they of their murders, nor of their sorceries, nor of their fornication, nor of their thefts.

کبریت بیرون می‌آید.<sup>18</sup> از این سه بلا، یعنی آتش و دود و کبریت که از دهانشان برمی‌آید، ثلث مردم هلاک شدند.<sup>19</sup> زیرا که قدرت اسبان در دهان و دم ایشان است، زیرا که دُمهای آنها چون مارهاست که سرها دارد و به آنها اُدیت می‌کنند.<sup>20</sup> و سایر مردم که به این بلایا کشته نگشتند، از اعمال دستهای خود توبه نکردند تا آنکه عبادت دیوها و بت‌های طلا و نقره و برنج و سنگ و چوب را که طاقت دیدن و شنیدن و خرامیدن ندارند، ترک کنند؛<sup>21</sup> و از قتلها و جادوگریها و زنا و دزدیهای خود توبه نکردند.